

## تأثیر رویدادها و روندهای بین‌المللی و منطقه‌ای بر افزایش بازیگری و خواست‌گردها در عراق (۱۹۹۱-۲۰۱۷)

اردشیر پشنگ - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
دکتر کیهان برزگر\* - دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد  
اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

دکتر احمد نقیب‌زاده - استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷

<https://doi.org/10.22034/igq.2024.176640>

### چکیده

در یکصدسال گذشته، کردها بویژه در عراق در برهه‌های مختلفی در تلاش برای تجدیدنظر در مناسبات ساختاری و حتی مرزی منطقه بوده‌اند؛ در این بین روندها و رویدادهای بین‌المللی و منطقه‌ای طی سه دهه‌ی اخیر تأثیر بیشتری بر سرنوشت آنها داشته است. مقاله حاضر که داده‌های آن از منابع کتابخانه‌ای و برخط و نیز مصاحبه با مسئولان و متخصصین گردآوری و با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای به رشته تحریر درآمده، بدنبال یافتن پاسخ این سوال است که رویدادها و روندهای بین‌المللی منطقه‌ای در سه دهه‌ی اخیر چه تأثیری بر وضعیت کردها در عراق داشته‌اند؟ فرضیه مقاله تأکید دارد مجموعه تحولات از جمله پایان نظم دوقطبی (۱۹۹۱) و شروع منطقه‌گرایی از یکسو و تحولات و رویدادهایی نظیر ایجاد منطقه نیمه‌خودمختار (۱۹۹۱)، حمله آمریکا به عراق (۲۰۰۳)، وقوع بهار عربی (۲۰۱۱) و ظهور داعش (۲۰۱۴) باعث افزایش قدرت بازیگری و نیز خواست‌گردها در جهت ارتقای سطح دولت‌شان از «فدرال-محلی» به «مستقل-ملی» در سال ۲۰۱۷ شده است. واژه‌های کلیدی: کرد، عراق، دولت اقلیم کردستان عراق، مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه، زیرمجموعه امنیت منطقه‌ای کرد.

### ۱. بیان مسئله

موضوع و مساله گُرد در خاورمیانه بطور خاص از زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی و ایجاد دولت‌های جدید در منطقه بر اساس توافق سرّی سایکس-پیکو میان انگلستان و فرانسه و سپس معاهده لوزان<sup>۱</sup> در سال ۱۹۲۳ که آنها را در سه کشور ترکیه، عراق و سوریه تقسیم کرد موضوعی که همواره یکی از مهمترین مسائل امنیتی در این منطقه طی سده گذشته تا به امروز بوده است چرا که گروه‌های مختلف گُرد در این کشورها همواره از وضع موجود ناراضی بوده و از هرفرصتی برای تغییر در شرایط موجود استفاده می‌کردند.

خواسته‌ها و اهداف گُردها در عراق طی سده گذشته متفاوت بوده است؛ در هنگام قیام شیخ محمود وی خواهان استقلال کردستان شده بود، اما در دوره‌های بعدی از جمله در دوره جنبش مبارزاتی تحت رهبری ملامصطفی بارزانی، گُردهای عراقی از اعلام این مساله که به دنبال استقلال هستند خودداری کرده‌اند و تنها هدف خود را ایجاد یک خودمختاری در داخل مرزهای عراق اعلام نموده‌اند؛ در همین زمینه دونالد هروتیس در مقاله‌ای تحت عنوان «منطق جدایی طلب‌ها» می‌گوید: «گُردهای عراق مدام اینکه هدف‌شان استقلال است را تکذیب می‌کنند. علی‌رغم جنگ و کشتار در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ آنها از طرح مقوله‌ای فراتر از خودمختاری منطقه‌ای اجتناب کرده‌اند احتمالاً دلیل این امر تاکتیکی بوده است؛ اگر آنها هدف‌شان را استقلال اعلام می‌کردند، گُردهای عراق موجب دشمنی رژیم‌های همسایه در سوریه، ایران و ترکیه که همگی اقلیت‌های گُرد دارند، می‌شدند. در جنگ ۱۹۷۴ در عراق، ایران برای جنگ جویان گُرد سلاح، خوراک و امکانات مرزی فراهم ساخت، و این چنین حمایتی خصوصاً تضمین نمود که جنبش گُردها فقط خواستار خودمختاری است» (Baylis and Smith, 2005:382).

درحالی‌که جنبش مبارزاتی گُردها تحت رهبری ملامصطفی بارزانی تحت تاثیر معاهده ۱۹۷۵ الجزایر و پایان دادن شاه به حمایت از آنها رو به افول نهاده بود، وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و بخصوص متعاقب آن تحمیل جنگ تحمیلی ۸ ساله از سوی عراق بر ایران، بهترین

---

1. Treaty of Lausanne

فرصت را برای احیای جنبش مبارزاتی آنها این بار در قالب دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی کردستان و به عنوان متحدین جمهوری اسلامی در جنگ فراهم ساخت (Pashang, 2015: 226). با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ شاهد دوره جدیدی از قدرت‌گیری قابل توجه کردها در عراق هستیم. شناسایی رسمی و قانونی منطقه اقلیم کردستان شامل استان‌های دهوک، اربیل و سلیمانیه، تصویب ماده ۱۴۰ قانون اساسی (در پیش‌نویس قانون اساسی اولیه عراق ماده ۵۸) جهت تعیین تکلیف مناطق مورد مناقشه و ادعای کردها شامل استان‌های دیالی، صلاح‌الدین، کرکوک و نینوا، تصاحب پست ریاست‌جمهوری و وزارت‌خانه‌های مهمی نظیر وزارت خارجه (۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴)، دارایی (۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶) و نیز اختصاص ۱۷ درصد از بودجه کل عراق در کنار در اختیار داشتن نیروهای نظامی (پیشمرگ) و امنیتی (آسایش) مختص به خود، اختیار نسبی فروش نفت و روابط خارجی نسبتاً مستقل از جمله دستاوردهای قابل توجه کردها در این مقطع بوده است.

در دوره اخیر نیز کردها به دنبال در پیش‌گرفتن مسیر استقلال و زمینه‌سازی این امر بوده‌اند و در همین راستا دو فراندوم مختلف و بدون کسب رضایت دولت مرکزی عراق را طی سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۷ برگزار کردند. رهبران کرد با محوریت مسعود بارزانی، رهبر منطقه اقلیم کردستان (۲۰۰۵-۲۰۱۷)، بارها از «حق تعیین سرنوشت کرد»، «پایان سایکس-پیکو» و «تبدیل شدن رویای استقلال کردستان به یک واقعیت» بطور رسمی سخنرانی کرده و برای این منظور هدف‌گذاری‌های زمانی و ... داشته‌اند امری که بطور نسبی با حمایت دیگر احزاب کرد و بطور نسبتاً مطلق با حمایت جامعه کردها روبرو بوده است، به نحوی که در فراندوم استقلال سال ۲۰۰۵ بیش از ۹۵ درصد مردم و در فراندوم استقلال سال ۲۰۱۷ بیش از ۹۲,۵ درصد مردم به آن رای مثبت دادند. همان‌طور که در چکیده این مقاله اشاره شد، مقاله پیش‌رو دنبال یافتن پاسخ این سوال است که رویدادها و روندهای بین‌المللی و منطقه‌ای در سه دهه‌ی اخیر چه تاثیری بر وضعیت کردها در عراق داشته‌اند؟ فرضیه مقاله تاکید دارد مجموعه تحولات از جمله پایان نظم دوقطبی (۱۹۹۱) و شروع منطقه‌گرایی از یکسو و تحولات و رویدادهایی نظیر ایجاد منطقه نیمه‌خودمختار (۱۹۹۱)، حمله آمریکا به عراق (۲۰۰۳)، وقوع بهار عربی (۲۰۱۱) و ظهور داعش (۲۰۱۴) باعث افزایش قدرت بازیگری و نیز خواست کردها در جهت ارتقای سطح دولت‌شان

از «فدرال-محلی» به «مستقل-ملی» در سال ۲۰۱۷ شده است. همچنین طی دو دهه اخیر وقوع رویدادها و تاثیر روندهای بین‌المللی و منطقه‌ای تاثیرگذار بر سرنوشت‌گردها و نیز تلاش خود آنها برای ارتقای جایگاه خود از فرصت‌های پیش‌آمده تاثیر بسزایی در افزایش توجه پژوهشگران، دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و دیگر فعالان به این حوزه داشته است:

تهمورث غلامی و پریسا کریمی در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست‌گرایی آمریکا و روسیه؛ منافع و امنیت ملی ایران» که در فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک معتقدند هرچند آمریکا و روسیه طی دو دهه اخیر به‌گردها در عراق و سوریه نزدیک شده‌اند، اما با توجه به پیشینه‌های تاریخی، فرهنگی و زبانی،‌گردها بخشی از تمدن ایرانی محسوب شده لذا نباید با دیده تهدید به آنها نگریست. جعفر حق‌پناه نیز در کتاب «گردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» معتقد است که سیاست امنیتی و خارجی ایران، ترکیه، عراق و سوریه در قبال مساله‌گردها، ایجاد موازنه فراگیر به همراه دفع تهدیدات فرامرزی قوم‌گرایی‌گرایی در داخل و تحرکات دولت‌های رقیب، با استفاده از وجود گروه‌های‌گردها مخالف در سایر کشورها و نیز استفاده از این ابزار جهت تضعیف قدرت‌های رقیب بوده است (Haghpناه, 1998:92).

قدیر نصری و داوود رضایی در مقاله‌ای در فصلنامه امنیت پژوهی با عنوان «امکان‌سنجی استقلال اقلیم کردستان عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» کوشیده‌اند تاثیرات استقلال احتمالی اقلیم کردستان بر امنیت جمهوری اسلامی ایران را بررسی کنند و معتقدند بعد از تشکیل حکومت فدرالی در اقلیم کردستان، رژیم صهیونیستی با نگاه راهبردی به موقعیت آنها، حضور بی‌سابقه‌ای در از منطقه پیدا کرده است.

«افرا بنگیو» در کتاب «بیداری‌گردها، دولت‌سازی در سرزمین‌های تقسیم شده»<sup>۲</sup> از تلاش‌گردها و حرکت آنها مبنی بر جداسازی بیش از پیش با دیگر عراقی‌ها به عنوان یکی از ویژگی‌های جامعه اقلیم کردستان یاد کرده است. همچنین «دلاور عبدالعزیز علاالدین»<sup>۳</sup> در کتاب «دولت‌سازی

1. Ofra Bengio

2. Kurdish Awakening: Nation Building in a Fragmented Homeland

۳. دلاور عبدالعزیز علاالدین

و سیستم حکم‌رانی محلی اقلیم کردستان<sup>۱</sup> ضمن برشمردن موقعیت‌های طلایی پیش‌آمده برای گردها تحت تاثیر تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ از آزادی بخش‌هایی از منطقه اقلیم کردستان از سیطره دولت مرکزی می‌گوید معتقد است تداوم روندهای بین‌المللی فرصت‌ساز برای گردها می‌تواند در دستیابی به خواست استقلال کمک قابل توجهی به آنها بکند. جفری کمپ و رابرت هارکاوای<sup>۲</sup> در اثر مشترک خود بنام «جغرافیای استراتژیک خاورمیانه» عمدتاً نگاهی تاریخی و رویداد محور را در اثر خود دنبال کرده و به رغم اینکه بدنبال نشان دادن تغییرات تازه در خاورمیانه‌اند اما در خصوص تاثیر مساله گُرد بر تحولات امنیتی خاورمیانه اهمیت زیادی قائل نشده‌اند. «همسایگان ناهمسو: ایران و حکومت اقلیم کردستان»<sup>۳</sup> عنوان مقاله نادر انتصار در فصلنامه «مطالعات خاورمیانه و آسیای میانه» است. نویسنده معتقد است که روند تکاملی حکومت اقلیم کردستان از دهه ۱۹۹۰ به بعد برای ایران چالش‌های مختلف سیاسی و امنیتی بدنبال آورده و برگزاری رفراندوم اقلیم کردستان هم باعث کاهش روابط طرفین و سردی بیشتر در روابطشان شده است.

«استیو تاتایی»<sup>۴</sup> در کتاب «استقلال کردستان جنوبی»<sup>۵</sup> استدلال کرده است با توجه به تفاوت‌های اساسی و جدی که میان ساکنان شمال با جنوب و مرکز عراق وجود دارد و نیز برای جلوگیری از افزایش بحران و بی‌ثباتی می‌بایست عراق جدید را به دو دولت کردستان جنوبی و جمهوری عربستان تجزیه کرد.

همان‌طور که در بررسی پیشینه تحقیق مشاهده می‌شود بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته یا از نظر زمانی نیاز به بروز رسانی دارند، و یا هریک از منظرهای متفاوت به یک مساله و یا بحران مرتبط با گردهای عراق پرداخته‌اند. در حالی که در نوشتار پیش‌رو ضمن بروزرسانی آخرین

۱. Nation Building and system of self-governance in Kurdistan Region - - سیستم‌سازی و نیشن‌بیلدینگ در منطقه کردستان

می‌فرمانده‌وایه‌تی خومالی له هه‌ریمی کوردستان

2.Strategic geography and the changing Middle East, Kemp Geoffrey

3. Uneasy Neighbors: Iran and the Kurdish Regional Government, Nader Entesar

4.Steve Tattaii

5.Independent South Kurdistan

تحولات مرتبط با مساله گُردهای عراق، تلاش شده است تا تاثیر رویدادها و روندهای موثر در دو سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بر سرنوشت و جایگاه گُردهای عراق بررسی شود و نشان داده شود چگونه پیامدهای این روندها و رویدادها از یکسو باعث افزایش بازیگری گُردها و از سوی دیگر منجر به تلاش آنها برای ارتقای سطح دولت فعلی‌شان از یک دولت «فدرال-محلی» به یک دولت «مستقل-ملی» شده است.

### ۲. روش تحقیق

روش انجام تحقیق حاضر بصورت ترکیبی شامل سه روش تاریخی-تطبیقی، توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوا است. تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن توصیف کردن شرایط و پدیده‌های مورد بررسی است و اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط مورد استفاده قرار گیرد. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از منابع مختلف مکتوب، اینترنتی و نیز انجام تکنیک مصاحبه با تنی چند از رهبران و شخصیت‌ها، مقامات مسئول و سیاسی و اساتید و پژوهشگران فعال و برجسته و استفاده از روش «تحلیل محتوا» در این حوزه استفاده شده است.

### ۳. چارچوب نظری

فروپاشی نظام دوقطبی نیروهای سازمان‌دهنده در سطح جهانی را با تغییرات اساسی روبرو کرد، قدرت‌های بزرگ جهانی به سوی پرهیز از درگیری‌های بیشتر گام برداشتند، موضوعی که به تضعیف رهبری در سطح جهانی از یکسو و به تقویت اداره امور مناطق مختلف جهان توسط خود بازیگران این منطقه از سوی دیگر منجر شد (Buzan and Waever, 1998:9). در همین راستا نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» را می‌توان قدمی رو به جلو از سوی نظریه پردازان مکتب کپنهاگ در راستای ایجاد یک کاربست نظری-تحلیلی پیرامون تبیین مساله امنیت در سطح جهانی و با محوریت سطح تحلیلی قلمداد کرد.

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای شاخصه‌ها، متغیرها، سطوح تحلیل، انواع مجموعه و روندهای تکاملی مختلفی است در بحث متغیرهای اصلی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای ۷ متغیر اصلی دارد از جمله «الگوی دوستی و دشمنی»، که مراد از «دوستی» انتظار دریافت حمایت و همکاری برای حفاظت در موقع تهدید در بین بازیگران آن است و مراد از «دشمنی» وجود بی‌اعتمادی، هراس و سوءظن در روابط میان آنهاست (Buzan and Waever, 2003: 83). موضوعاتی نظیر اختلافات مرزی، ارتباط با اقوام در دو سوی مرزها، حامی‌پروری ایدئولوژیک در سطح منطقه‌ای تا دیدگاه‌ها و برداشت‌های منفی و مثبت تاریخی و ... در زیر این فاکتور قرار می‌گیرد (Adami, 2010: 144). متغیر اصلی دیگر «وابستگی متقابل امنیتی<sup>۱</sup>» است که از دیگر فاکتورهای لازم برای تشکیل یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای بدان معناست که هرگونه تغییر و تحول در یک بازیگر در دیگر بازیگر یا بازیگران حاضر در آن منطقه نیز اثرگذار باشد «مجموعه امنیتی وقتی ایجاد می‌شود که شبکه روابط شدید امنیتی میان برخی دولت‌ها قوی‌تر از روابط این دولت‌ها با دیگر مناطق و بازیگران پیرامون در دور و نزدیک باشد و امنیت آنها کاملاً به یکدیگر گره خورده باشد (Buzan, 1999: 217).

بر اساس این نظریه ارتباط مستقیمی میان جغرافیا و دوری و نزدیکی با امر «تهدید» وجود دارد به این معنی که هر قدر از نظر جغرافیایی فاصله تهدید با یک و یا چند بازیگر نزدیک‌تر باشد، آن تهدید برای آن بازیگران دارای اهمیت افزون‌تری است، در نتیجه از دید بوزان مجموعه امنیتی را گروهی از کشورها هستند که دل‌مشغولی‌های اساسی‌شان در زمینه امنیت به مقدار کافی باعث نزدیکی و بهم‌پیوستگی آنها بهم شده است، به نحوی که هیچیک به تنهایی نتوانند مسائل امنیت‌ملی‌شان را حل و فصل کنند (Baylis and Smith, 2005: 583).

### ۳-۱. متغیرهای بنیادین نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای

همچنین از منظر متغیرهای بنیادین ساختاری، نظریه مجموعه یا زیرمجموعه امنیتی منطقه‌ای چهار متغیر اساسی برای هر مجموعه امنیتی قابل تصور است: مرز (عامل جداکننده یک مجموعه

امنیتی منطقه‌ای از همسایگان)، ساختار آنارشیکی (تشکیل هر مجموعه امنیتی دو یا چند واحد خودمختار) قطبش (پوشش‌دهنده نحوه توزیع قدرت در میان بازیگران یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای)، ساخت اجتماعی (شامل الگوهای مختلف از جمله دوستی و دشمنی و رقابت).

جدول (۱): مهمترین شاخص‌های مختلف نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای

۷. متغیر اصلی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای	۱. الگوی دوستی و دشمنی   ۲. وابستگی متقابل نسبی امنیتی در سطح منطقه   ۳. عنصر مجاورت و نزدیکی جغرافیایی   ۴. استقلال نسبی   ۵. بودن دست‌کم دو بازیگر موثر   ۶. اختلافات و همبستگی‌های نژادی و فرهنگی   ۷. عوامل اقتصادی
۴. سطح تحلیل نظریه	۱. بعد داخلی   ۲. روابط دولت - دولت   ۳. تعامل منطقه‌ای با همسایگان   ۴. نقش قدرت‌های جهانی در منطقه
۴. متغیر بنیادین ساختاری مجموعه	۱. مرز   ۲. ساختار آنارشیکی   ۳. قطبش   ۴. ساخت اجتماعی
۳. روند تکاملی مجموعه	۱. حفظ وضع موجود   ۲. تحول درونی   ۳. تحول بیرونی
۵. نوع مجموعه امنیتی منطقه‌ای	۱. استاندارد   ۲. مرکزدار   ۳. حاوی قدرت‌های بزرگ   ۴. ابرمجموعه   ۵. فاقد ساختار
۴. شکل مختلف مجموعه‌های امنیتی	۱. پیشامجموعه   ۲. شبه‌مجموعه   ۳. مجموعه   ۴. زیرمجموعه

۳-۲. آرایش امنیتی نظام بین‌الملل بر اساس نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای

بطور کلی و بر اساس شاخص‌های مختلف نظام بین‌الملل به ۶ منطقه مجزای جغرافیایی و یازده منطقه امنیتی تقسیم شده است (Buzan and Waever, 2003: 204).

جدول (۲): پویای امنیتی منطقه‌ای در سه دوره مختلف زمانی

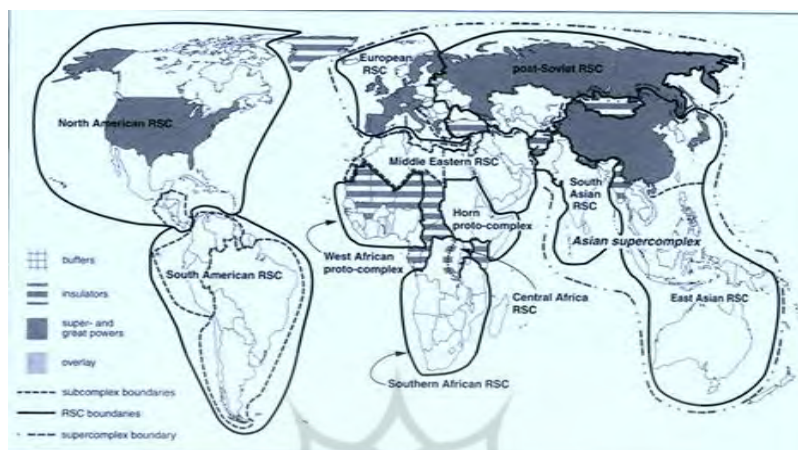
سطح تحلیل	۱۹۲۰ - ۱۹۴۵	۱۹۴۵ - ۱۹۹۱	۱۹۹۱ - ۲۰۰۳
ابر قدرت‌ها	آمریکا، بریتانیا و شوروی	آمریکا و شوروی	آمریکا
قدرت‌های بزرگ	آلمان، ژاپن و فرانسه	چین، ژاپن و اتحادیه اروپا	چین، ژاپن، اتحادیه اروپا و روسیه
تعداد مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای	۴	۱۰	۱۱

۳-۳. آرایش امنیتی خاورمیانه بر اساس نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای

بر همین اساس نقشه امنیتی نظام بین‌الملل تا سال ۲۰۰۳ بدین سان بوده است:



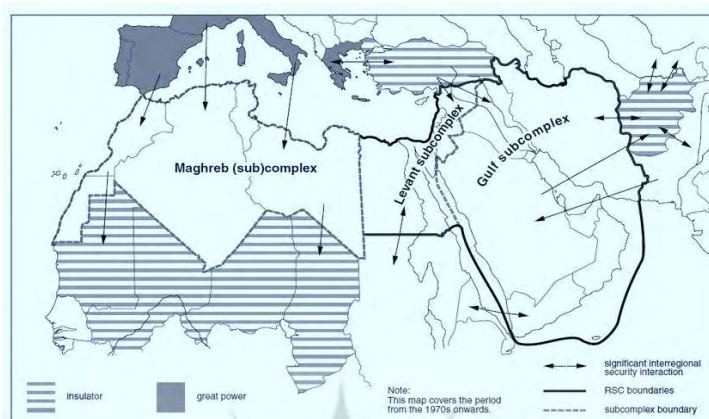
شکل (۱): نقشه نظام بین‌الملل از منظر نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای



(Source: Buzan and Waever, 2003)

در همین چارچوب «مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه را می‌توان بعد از موج استعمارزدایی بین سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۸ در نظر گرفت که یک منطقه بحرانی از دولت‌های مستقل بوجود آورد. درست همانند مجموعه امنیتی جنوب آسیا که با جنگ هردو زاده شدند. جنگ خاورمیانه با اعلام استقلال اسرائیل و آغاز جنگ بین آنها با دولت‌های عربی آغاز شد» (Buzan and Waever, 1998:102). بوزان و ویور منطقه خاورمیانه را شامل سه زیرمجموعه متمرکز در شامات، خلیج فارس و در شمال غرب آفریقا قلمداد می‌کنند. در این بین همانطور که اشاره شد، به رغم اینکه باری بوزان در آثار مختلف خود به وضعیت و جایگاه گردها نیز اشاره کرده است، اما همواره برای آنها نقشی حاشیه‌ای در نظر گرفته بود. «گردها با جمعیتی بیش از ۲۵ میلیون نفر در چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه تقسیم شده‌اند که در دوره جنگ سرد و در اثر افزایش رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای، دارای یک فضای حداقلی برای مانور و بازیگری شدند. در این فضا ایران از گردهای عراق، عراق از گردهای ایران و سوریه از گردهای ترکیه حمایت می‌کرد» (Buzan and Waever, 1998:109).

شکل (۲): نقشه خاورمیانه از نظر پوشش‌های امنیتی در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای (تا سال ۲۰۰۳)



(Source: www.researchgate.net)

نکته مهم این است که با توجه به تحولات و رویدادهای بسیار مهمی که پس از سال ۲۰۰۳ و دو دهه پس از آن روی داده است، نظریه مذکور هم از بعد نظری و هم بخصوص از منظر بروزرسانی تطبیق آن با واقعیات منطقه‌ای نیاز به بروز رسانی و بازنگری دارد. از جمله این موارد در خاورمیانه و تحت تاثیر عنصر کُرد است که به اعتقاد نویسندگان این مقاله مجموعه این رویدادها و روندهای بین‌المللی و منطقه‌ای مذکور از یک سو باعث افزایش بازیگری و ارتقای قدرت کُردها شده و از سوی دیگر مناسبات امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه را نیز دستخوش تغییر و تحول کرده است که از آن جمله می‌توان به تولد یک «زیرمجموعه امنیتی منطقه‌ای کُرد» به عنوان زیرمجموعه چهارم در منطقه امنیتی خاورمیانه اشاره کرد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱. روندها و رویدادهای بین‌المللی و منطقه‌ای موثر بر وضعیت کُردها در عراق

افزایش بازیگری کُردها در سطح خاورمیانه بیش از تحولات و رشد داخلی متأثر از عوامل، روندها، تحولات و حوادث منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. طی ابتدای دهه ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۷ شاهد وقوع تحولات گسترده و متعددی در سطوح مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای هستیم که پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم مختلفی بر وضعیت کُردها داشته است. برای دسته‌بندی مناسب

و دقیق‌تر تحولات، روندها و حوادث موثر بر افزایش بازیگری‌گردها می‌توان از سطوح تحلیل<sup>۱</sup> مختلفی بهره برد، با توجه به تعدد و تنوع فاکتورها و تداخل مرزها و پیامدهای آنها در یکدیگر در این اینجا بر اساس یک دسته‌بندی روندی-رویدادی بررسی می‌شوند به همین دلیل به ترتیب می‌توان این عوامل را مورد بررسی قرار داد: از منظر روندی (پروسه) و رویدادی عوامل متعدد و مختلفی بر وضعیت‌گردهای عراق از جمله افزایش بازیگری آنها در خاورمیانه تأثیر داشته‌اند. در اینجا ۷ روند و رویداد که تأثیر قابل توجهی بر وضعیت‌گردها داشته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

#### ۴-۱-۱. پایان عصر دوقطبی در نظام بین‌الملل<sup>۲</sup>

با آغاز دهه پایانی قرن بیستم شاهد سقوط اتحاد جماهیر شوروی هستیم موضوعی که تأثیری بسزا در نظام بین‌الملل بدنبال داشت. پایان عصر دو قطبی در نظام بین‌الملل همان‌طور که بر کل جهان تأثیر داشت بر منطقه خاورمیانه و صفوف اتحاد و ائتلاف‌ها و میزان بازیگری بازیگران مختلف تأثیر مستقیمی داشته است. در عصر نظم دوقطبی عمدتاً این تنها بازیگران دولتی بودند که مجال بازیگری در سطحی محدود در میانه رقابت و کشمکش بین دو ابرقدرت شرق و غرب را داشتند. در این بین جنبش مبارزاتی‌گردها در این دوره تحت تأثیر این وضعیت، مجال کمتری برای فعالیت داشت. لذا با پایان نظام دوقطبی شاهد دو ویژگی جدید در نظام بین‌الملل هستیم: نخست) خودمختاری نسبی و محدود مناطق جهان و دوم) شکل‌گیری تدریجی یک کنسرت قدرت‌های بزرگ جهان.

#### ۴-۱-۲. شروع عصر منطقه‌گرایی در خاورمیانه<sup>۳</sup>

در دوران جنگ سرد هرچند از یکسو به دلیل رقابت دو ابرقدرت شاهد بین‌المللی شدن هر بحران و مساله‌ی منطقه‌ای بودیم اما از سوی دیگر دو ابرقدرت با نگرانی از گسترش آن اقدام به محدود نگاه داشتن آن می‌کردند به همین دلیل یکی از پیامدهای فوری پایان عصر دوقطبی شروع

1.Levels of Analysis

2.The End of the Bipolar Era in the International System

3.The Period of Regionalism in the Middle East

یک عصر نوین منطقه‌گرایی در سطح نظام بین‌الملل بوده است (Lake and Morgan, 1997: 181). در نظم نو جهانی دو مفهوم ظاهراً ناهم‌ساز برجسته‌تر شده‌اند یکی جهانی‌شدن و دیگری منطقه‌ای‌شدن است که بر نظم و ستفالیایی تاثیر گذاشته هم منجر به بی‌نظمی و محتملاً یک نظم نو جهانی می‌شوند. در چنین فضایی در خاورمیانه شاهد هستیم که قدرت‌های منطقه‌ای در مسیر افزایش قدرت و حوزه نفوذ خود یا حتی تبدیل شدن به قدرت نخست منطقه گام بر می‌دارند جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، عربستان سعودی عراق و مصر در کنار اسرائیل مهم‌ترین بازیگران این مقطع زمانی هستند، که هر یک در تلاش هستند یا قدرت نفوذ خود را گسترش دهند و یا مانع از نفوذ رقبای منطقه‌ای‌شان علیه خود شوند. چنین فضایی زمینه‌ساز افزایش بازیگری و تنفس بیشتر برای کشورها و گروه‌های فروملی از جمله کُردها را بیش از پیش مهیا کرد. هرچند باید اشاره کرد با پایان عصر دوقطبی فشارها بر حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) بیش از پیش شد اما در عراق وضعیت به گونه‌ای دیگر پیش رفت حمله صدام حسین به کویت و متعاقب آن شکست ارتش این کشور از ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا در سال ۱۹۹۱ و مجموعه قطعنامه‌های مختلف تحریمی که شورای امنیت علیه رژیم بعث صادر کرد منجر به انزوای عراق، افزایش فشارها بر این دولت و ایجاد یک فرصت و موقعیت تازه و قابل توجه برای کُردهای این کشور شد.

۳-۱-۴. افزایش خودآگاهی و ارتباط ناشی از وقوع انقلاب اینترنتی و ظهور شبکه‌های اجتماعی مجازی پیشرفت علم و تکنولوژی همواره تاثیر مستقیمی روی زندگی اجتماعی و سیاسی انسان‌ها طی تاریخ داشته است، گسترش اینترنت و ظهور شبکه‌های اجتماعی مجازی را می‌توان انقلابی بزرگ و نرم در سراسر جهان قلمداد کرد. شبکه‌های اجتماعی علاوه بر ایجاد تغییر در شیوه‌های مبارزات مدنی و سیاسی حتی باعث وقوع تغییرات تکنیکی (فنی) در درگیری‌های خشونت‌آمیز در سراسر جهان از جمله در خاورمیانه و آفریقا شده‌اند (Schirch, 2021: 35). تاثیرات شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در مناطقی همچون خاورمیانه که دارای مشکلات حل‌نشده ساختاری و سیاسی فراوانی است بیش از هر جای دیگری نمود پیدا کرده است، این

تأثیرات را می‌توان در وقوع بهار عربی در خاورمیانه و جنبش‌های نرم‌افزاری فیسبوکی، توئیتری و اینستاگرامی در این کشورها به خوبی مشاهده کرد.

گردها در خاورمیانه هم از یکسو کاملاً متأثر از این پدیده بودند و از سوی دیگر تلاش کرده‌اند از آن به مثابه فرصتی برای دستیابی به اهداف مختلف خود بهره‌جویند. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نقش پررنگی در احیای هویت‌گردی، طرح مسائل و مباحث مختلف‌گرد، آموزش زبان مادری و همبستگی میان‌گردها و رای از مرزهای سیاسی داشته است (Haji Khedir 2020:14). شبکه‌های اجتماعی تأثیر قابل توجهی در حفظ و گسترش فرهنگ ملی و زبانی و بخصوص ارتباطی میان‌گردها در مقابل ملی‌گرایی‌های رقیب بخصوص ملی‌گرایی‌های عربی و ترکی بدنبال داشته است (Stansfield and Shareef, 2017:292).

#### ۴-۱-۴. صدور قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت

صدور قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت مبنی بر اعلام منطقه پرواز ممنوع در شمال و جنوب عراق، یکی از مهم‌ترین فرصت‌های تاریخی‌گردها در عراق بود که در سایه آن موفق شدند یک دولت نیمه خودمختار را از سال ۱۹۹۱ تأسیس کنند و نخستین انتخابات پارلمانی را نیز یکسال بعد برگزار کنند.

#### ۴-۱-۵. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳

حمله سال ۲۰۰۳ به عراق را می‌توان یکی از مهم‌ترین رویدادهای تأثیرگذار بر کل خاورمیانه و بخصوص‌گردها قلمداد کرد. آمریکایی‌ها پس از حمله به افغانستان (۲۰۰۱)، دو سال بعد به بهانه داشتن تسلیحات کشتار جمعی به عراق نیز حمله کردند، این حمله منجر به سقوط رژیم بعث و روی کار آمدن یک دوره گذار (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵) و سپس تشکیل یک نظام سیاسی جدید در عراق شد.‌گردها یکی از مهم‌ترین برندگان این حمله آمریکا به شمار می‌روند.

گردها از اواخر دهه ۱۹۹۰ روابط خود را با آمریکا نزدیک‌تر کردند این مهم پس از میانجیگری مادلین آلبرایت وزیر خارجه وقت آمریکا در ایجاد صلح میان دو حزب اصلی‌گرد در کردستان عراق صورت گرفت. پیش از حمله آمریکا به عراق در ۲۰۰۳ آنها در نشست‌های گروه‌های معارض نقش محوری داشتند و بطور رسمی از حمله آمریکا حمایت و نیروهای پیشمرگ خود

را وارد عرصه نبرد کردند در همین زمینه مسعود بارزانی رهبر حزب دموکرات به رسانه‌ها گفت: «این اولین بار است که آمریکایی‌ها به صراحت می‌گویند اجازه نمی‌دهند صدام به ما آسیب برساند.» از آن دوره تا جنگ دوم خلیج فارس در سال ۲۰۰۳، گردها برای سیاست جدید آمریکا در قبال عراق حیاتی‌تر شدند (Gurbey ad Hofmann, 2017:183). در اثر تحولات پس از سال ۲۰۰۳ گردها رسماً به ضلع دوم قدرت در ساختار جدید عراق تبدیل شدند. بر اساس قانون اساسی مورد پیشنهادی گردها، نظام سیاسی این کشور به جمهوری فدرالی پارلمانی تبدیل شد. در این ساختار گردها یک حاکمیت فدرالی را بر سه استان اربیل، دهوک و سلیمانیه برقرار کردند، که مورد شناسایی قانون اساسی این کشور قرار گرفته است و همچنین از بدو تاسیس نظام جدید پست ریاست‌جمهوری عراق، در هر دولت سه پست وزارتی به همراه معاونین نخست‌وزیر و ریاست پارلمان را در اختیار گرفته‌اند.

#### ۴-۱-۶. وقوع بهار عربی در خاورمیانه و بخصوص سوریه

مجموعه تحولات اعتراضی بنام بهار عربی<sup>۱</sup> که از روز ۱۸ دسامبر سال ۲۰۱۰ در کشور تونس آغاز شد و تبدیل به قیامی برای وقوع تغییرات اساسی در کشورهای مختلف عربی خاورمیانه شد، یکی از مهم‌ترین رویدادهای موثر بر سرنوشت گردها بخصوص در دو کشور سوریه و عراق بوده است. بر اساس قیام‌های بهار عربی کشورهای مختلف عربی از جمله تونس، مراکش، لیبی، مصر، بحرین، اردن، سوریه، یمن، سودان، عربستان سعودی، عراق، لبنان، موریتانی، کویت و الجزایر با بحران سیاسی به میزان‌های مختلفی روبرو شدند. در تونس، مصر، لیبی و یمن دیکتاتورهای دیرینه عرب از قدرت ساقط شدند. الجزایر، عراق، اردن، سودان، کویت و مراکش با تظاهرات‌های گسترده روبرو شدند که منجر به عقب‌نشینی‌ها و تغییراتی در سیاست و برخی قوانین در این کشورها شد، سطح و میزان اعتراضات در عمان، لبنان، موریتانی و عربستان سعودی کمتر بود و در سوریه اما زمینه‌ساز وقوع یک جنگ گسترده و طولانی با حضور طرف‌های مختلف داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شد که تا به امروز ادامه دارد. کمتر از یکماه پس از آغاز

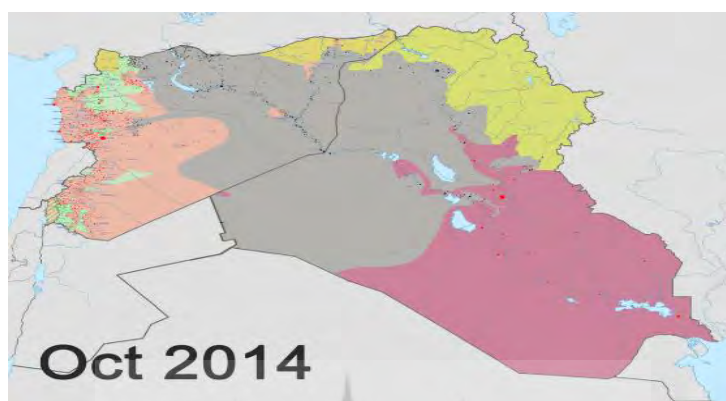
بهار عربی، در روز ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ موج اعتراضات به سوریه نیز سرایت کرد. در فاصله کوتاهی شاهد ورود بازیگران منطقه‌ای و سپس فرامنطقه‌ای و یارگیری آنها در بحران و جنگ داخلی سوریه هستیم. طولانی شدن بحران توأم با افزایش قدرت و دامنه کنترل جغرافیای بیشتری در شمال سوریه برای کردها بود این مهم با ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ تأثیر بسیار بیشتری یافت چرا که باعث شد کردها چه در سوریه و چه در عراق بخشی مهم از ائتلاف بین‌المللی ضد داعش شوند و به همین دلیل تأثیر بسزایی در موقعیت سیاسی، دیپلماتیک و نظامی آنها و به تبع در نوعی مشروعیت دهی به آنها ایجاد کرد.

ظهور دولت اسلامی عراق و شام با نام اختصاری داعش<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین تحولات و رویدادهای امنیتی در سطح بین‌المللی و منطقه خاورمیانه بود که تأثیری مستقیم بر سرنوشت کردها داشت چرا که این گروه افراطی اسلام‌گرا در مجاورت جغرافیایی کردستان عراق و سوریه ظهور کرد. این گروه رادیکال اسلامی از ژوئیه ۲۰۱۴ با نام حکومت اسلامی اعلام حضور کرد. خاستگاه این گروه به «جماعت توحید و جهاد» که در سال ۱۹۹۹ توسط ابومصعب زرقاوی تأسیس شده بود، می‌رسید که از سال ۲۰۰۴ با نام القاعده عراق به نبرد با آمریکا و دولت مرکزی این کشور در عراق پرداخت. با شروع درگیری‌ها در سوریه این گروه کم‌کم در سال ۲۰۱۳ نام خود را به «حکومت اسلامی عراق و شام» تغییر داد و با تصرف شهر رقه سوریه، آنجا را پایتخت خود اعلام کردند. داعش خیلی سریع مناطق گسترده‌ای از سوریه را تحت تصرف خود قرار داد در ژوئن ۲۰۱۴ داعش موفق شد موصل مرکز استان نینوا عراق را نیز تحت تصرف خود درآورد و در فاصله‌ی کوتاهی حدود ۴۰ درصد از خاک عراق و ۳۰ درصد از خاک سوریه را تصرف کرد.

1. ISIS: Islamic State of Iraq and the Levant - الدولة الإسلامية في العراق والشام

۲. قاعدة الجهاد في بلاد الرافدين

شکل (۳): قلمرو داعش در اکتبر سال ۲۰۱۴



(Source: <https://commons.wikimedia.org>)

همه مرزهای شمالی و غربی حکومت اسلامی عراق و شام دارای تداخل سرزمینی با کردستان عراق و سوریه بود به همین دلیل از همان ابتدا اقدام به تصرف این مناطق و جنگ و کشتار علیه کردها کردند. اوج این حملات در شمال سوریه و در ۱۶ سپتامبر روی داد که داعش با محاصره شهر کوبانی قصد تصرف آن را داشت اما از این زمان نیروهای کُرد شمال سوریه وارد ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا شدند و همچنین از کمک‌های لجستیک حکومت اقلیم کردستان عراق نیز بهره بردند و نهایتاً موفق شدند محاصره داعش را شکسته و نخستین شکست مهم را بر این گروه وارد سازند. از این زمان تا پایان سال ۲۰۱۷ نیروهای کُرد در عراق و سوریه مورد حمایت‌های گسترده نظامی، مشاوره‌ای، سیاسی، مالی و لجستیک کشورهای غربی تحت رهبری ایالات متحده آمریکا قرار گرفتند. این ارتباطات تا به امروز (۲۰۲۳) نیز ادامه دارد. هرچند با توجه به فروپاشی سرزمینی داعش، از میزان و حجم اعتبار آن کاسته شده است.

۲-۴. شاخصه‌های اثبات افزایش بازیگری کردهای عراق

در میان گروه‌های مختلف کُرد در خاورمیانه بیشترین تحول و اتفاقات توأم با شبی تدریجی در دستیابی به بخش‌هایی از خواست‌ها و حقوق مختلف از آن کردها در عراق بوده است هرچند در سال‌های اخیر اما کردها در سوریه نیز متاثر از تحولات و رویدادهای بین‌المللی و منطقه‌ای با ارتقای موقعیت بسیار قابل توجهی روبرو شده‌اند. طی یکصد سال گذشته بطور معمول دو



خواست و گرایش حداکثری (استقلال‌خواهی) و حداقلی (خودمختاری‌خواهی) از سوی کردهای عراقی مطرح و دنبال شده است، با توجه به این امر که مراد از هردوی این خواست‌ها نوعی تاکید بر حق تعیین سرنوشت و مدیریت و اداره سیاسی در چارچوب یک دولت (مستقل و یا فدرال) است، در نتیجه در جهت بررسی شاخص‌های مختلف اثبات‌کننده افزایش بازیگری کردها، می‌بایست ویژگی‌های یک دولت (اعم از مستقل و یا فدرال، خودمختار و ...) را برای این مهم در نظر گرفت.

همچنین برای آنکه شاخص‌های مختلفی را که طی آن اثبات کرد بر اساس تغییرات روی داده در آن، شاهد افزایش بازیگری کردها بوده‌ایم می‌توان از نظریه‌های مختلفی استفاده کرد. شاید تلاش برای تبدیل شدن به یک دولت و شاخص‌های مختلف آن را بتوان یک معیار نسبتاً مناسب برای این منظور در نظر گرفت. در همین زمینه پژوهشگران سیاست و سیاست بین‌الملل دیدگاه‌های متفاوتی دارند. چهار عنصر کلیدی یک دولت در سیاست بین‌الملل عبارتند از مردم، سرزمین، حکومت و حاکمیت (Ghavam, 1999:20). اما با توجه به تغییر و تحولات روی داده در نظام و سیاست بین‌الملل و نیز افزایش اهمیت بازیگران غیردولتی مختلف، به نظر می‌رسد علاوه بر چهار شاخص اساسی فوق بایست شاخص‌های مختلف دیگری را هم برای بررسی و نشان دادن و اثبات یا عدم‌اثبات افزایش بازیگری کردها را در نظر گرفت. بر همین اساس در گفتار پیش‌رو بر اساس شاخصه‌های مختلف روند افزایش قدرت و بازیگری کردهای عراق مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۴-۲-۱. تبدیل وضعیت نیمه‌خودمختار به یک حکومت فدرالی مورد شناسایی داخلی و بین‌المللی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های افزایش بازیگری کردها به مساله حکمرانی آنها بر مناطقی در شمال عراق بر می‌گردد. تجربه نخستین دوره خودمختاری کردها به سال ۱۹۷۰ باز می‌گردد اما لغو یکجانبه بخشی از مفاد اعلامیه توافق توسط دولت مرکزی عراق در سال ۱۹۷۴ باعث پایان آن شد. دومین تجربه خودمختاری کردها به سال ۱۹۹۱ باز می‌گردد صدور قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت و اعلام منطقه پرواز ممنوع باعث شد تا کردها کنترل سه استان اربیل، دهوک و سلیمانیه را برعهده بگیرند. اما سومین تجربه آنها در سال ۲۰۰۳ روی داد پس از حمله آمریکا به عراق و

همراهی آنها با این حمله و نیز در ساخت نظام جدید در عراق، خودمختاری کردها جنبه قانونی به خود گرفت. در سال ۲۰۰۵ و در چارچوب قانون اساسی عراق (فصل چهارم) منطقه تحت کنترل آنها به نام حکومت فدرال اقلیم کردستان عراق<sup>۱</sup> تغییر نام یافت و با حمایت مردم عراق در فراندوم قانون اساسی، این مهم دارای مشروعیت رسمی سیاسی و قانونی شد (iq.parliament.iq/ku).

#### ۲-۲-۴. سرزمین - جغرافیا

جغرافیای کردستان در عراق شامل استان‌های دهوک، اربیل، دهوک، سلیمانیه، کرکوک و بخش‌هایی از استان‌های نینوا، صلاح‌الدین، دیالی و واسط می‌شود مجموعه این مناطق بیش از ۸۴ هزار کیلومتر مربع معادل ۲۰ درصد از خاک عراق را شامل می‌شود. از ۱۹۹۱ و پس از صدور قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت کردها کنترل سه استان اربیل، دهوک و سلیمانیه با مساحت حدود ۴۷ هزار کیلومتر مربع را در دست گرفتند. این مهم تا سال ۲۰۱۴ نیز ادامه یافت. با ظهور داعش و حمله به مناطق مختلف و خروج و فرار ارتش عراق از شهرها و مناطق مورد مناقشه نیروهای پیشمرگ کردها کنترل بیش از ۹۴ درصد مناطق کردی با مساحتی بیش از ۸۰ هزار کیلومتر مربع را در دست گرفتند. در ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ پس از شکست داعش و حمله و ورود ارتش عراق و نیروهای حشدالشعبی که با عقب‌نشینی نیروهای کرد روبرو شد، آنها به پشت مرزهای قبل از سال ۲۰۰۳ بازگشتند و بر سه استان فوق‌همچنان کنترل دارند. لازم به ذکر است در سال ۲۰۱۳ بنا به مصوبه پارلمان کردستان عراق، حلبچه از سلیمانیه جدا و به عنوان استانی جدید مورد شناسایی قرار گرفت، این مهم هنوز به تایید دولت مرکزی عراق نرسیده است.

#### ۳-۲-۴. نیروهای نظامی و قدرت تسلیحاتی

از بدو تاسیس عراق همواره گروه‌ها و احزاب کرد دارای نیروی مسلح موسوم به «پیشمرگه» بوده‌اند این مهم با مرور زمان از نظر کمی و کیفی دارای اهمیت بیشتر شده است. استعداد نظامی پیشمرگان کرد در سال ۱۹۹۱ بیش از ۱۵ هزار نفر بود. این مهم طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ به بیش از ۲۰۰ هزار نفر افزایش یافت. در سال ۲۰۱۷ تخمین نیروهای نظامی اعم از نظامی، امنیتی،

پلیس و ... بیش از ۲۰۰ هزار نفر باشد. «تعداد کل نیروهای پیشمرگه حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود، اما تنها ۴۲۰۰۰ نیرو زیر نظر وزارت پیشمرگه فعالیت می‌کنند تعداد پیشمرگه‌های وابسته به حزب دمکرات کردستان و میهنی کردستان بیش از ۱۰۰ هزار نفر است و گمان می‌رود هر حزب حدود ۶۰ هزار سرباز داشته باشد.» از سوی دیگر از نظر آموزش‌های نظامی و دریافت تسلیحات پیشرفته، شاهد تحولات بسیار جدی در نیروهای نظامی کُرد در عراق هستیم. این مهم از دهه ۱۹۹۰ بطور محدود شروع شد، از ۲۰۰۲ به این سو گسترش یافت. «به منظور آماده‌سازی نیروهای پیشمرگ برای جنگ با رژیم بعث نیروهای تاکتیکی ۵۱۹ سازمان سیا و نیروهای ویژه ۵۲۰ ارتش آمریکا در جولای ۲۰۰۲ وارد اقلیم کردستان شدند» (Lortz,2005:66).

اما از سال ۲۰۱۴ و با ظهور داعش چندین کشور مختلف مسئولیت آموزش، ارتقا و کمک به تامین بروزرسانی تسلیحات نیروهای پیشمرگ را برعهده گرفته‌اند و تا امروز این امر باقی مانده است. «در این سال ائتلاف بین‌المللی تلاش کرد نیروهای پیشمرگ را در سطح خودکفایی آموزش و آماده کند» (Stocker,2019). این کشورها عبارتند از: ایالات متحده آمریکا، آلمان، هلند، کانادا، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، مجارستان و ...

حمایت‌های بین‌المللی از تقویت نیروهای پیشمرگ پس از شکست داعش نیز همچنان ادامه دارد: «ایالات متحده توافق خود را با دولت اقلیم کردستان عراق (KRG) تمدید کرد تا به حمایت امنیتی در پی جنگ علیه دولت اسلامی (داعش) ادامه دهد. سلسل‌والاندر<sup>۱</sup>، مقام ارشد پنتاگون در امور امنیت بین‌الملل، و شورش اسماعیل عبدالله، وزیر امور پیشمرگه‌های اقلیم کردستان طی مراسمی در اربیل تفاهم‌نامه‌ای که نخستین بار در سال ۲۰۱۶ امضا شده بود را برای چهار سال دیگر (۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶) در حضور نیچیروان بارزانی و مسرور بارزانی و نیز وزیر دفاع عراق تمدید کردند» (Szuba,2022).

۴-۲-۴. اقتصاد

تا سال ۲۰۰۳ عمده‌ترین محل درآمد احزاب اصلی گُرد در کردستان عراق، بستن مالیات و حق گمرک بر روی کالاهای ورودی به داخل عراق و کردستان از طریق گذرگاه‌های تحت کنترل‌شان بود، هرچند در زمینه فروش بسیار محدود نفت هم یک درآمد حداقلی داشتند. اما از سال ۲۰۰۳ به بعد با تغییر وضعیت عراق، توافق با دولت مرکزی و ورود شرکت‌های بزرگ بین‌المللی، عمده‌ترین محل درآمد اقلیم کردستان عراق از راه فروش نفت بوده است. این مساله تاثیری بسیار بزرگ بر توان بازیگری اقلیم کردستان گذاشته است، وجود منابع گسترده نفت و گاز، فلزات و موقعیت ترانزیتی دست بالا و نیز شرایط آب و هوایی بهتر در کنار آزادی‌های اجتماعی مناسب باعث شده سالانه ۳۶۰ هزار توریست وارد این منطقه شوند. این مساله در بهترین حالت ممکن توام با روزانه ۴۰۰ هزار بشکه نفت بوده است. طی شش ماهه نخست سال ۲۰۲۱ اقلیم کردستان عراق ۸۰ میلیون بشکه نفت صادر کرده است (Rudaw, 2021). در سال ۲۰۱۱ بیش از ۲۰ کمپانی بین‌المللی نفتی مشغول به فعالیت‌های مختلف اکتشافی، تولید، صادرات و ... در زمینه انرژی در اقلیم کردستان بودند. که از آن جمله می‌توان با استناد به آمار وبسایت انرژی چیمناجر (Chemanager, 2011) به شرکت‌های زیر اشاره کرد:

- شرکت‌های آمریکایی<sup>۱</sup>: اسپکت انرژی، ماراتن اویل، شرکت انرژی بین‌المللی هالیود، شرکت نفتی پرایم مورفی.
- شرکت‌های کانادایی<sup>۲</sup>: فوربس و منهتن، وسترن زاگرس ریسورس، تلیسمان انرژی، نیکو، گراند استار و شاماران.
- شرکت‌های نفتی از کره جنوبی، نروژ، ترکیه، بریتانیا، مجارستان، چین، هند، روسیه و ...

1. American companies: Aspect Energy, Marathon Oil Corporation, Hillwood International Energy, Hunt Oil, Prime and Murphy Oil. Marathon and Murphy  
 2. Canadian companies: Forbes and Manhattan, Western Zagros Resources, Talisman Energy Inc, NIKO Resources, Ground Star and Shamaran.

این لیست طی سال‌های بعد به دلیل اختلاف با دولت مرکزی بر سر نحوه صادرات نفت دچار تغییر و تعدیل شده است، اما تاثیری در اینکه همچنان صادرات نفت منبع اصلی و قابل توجه درآمد در اقلیم کردستان است نگذاشته است.

#### ۴-۲-۵. فرهنگي-آموزشي

از ۱۹۹۱ به بعد کُردها در عراق توانسته‌اند در سایه حکومت نیمه‌خودمختار (۱۹۹۱-۲۰۰۳) و سپس حکومت فدرال، در زمینه فرهنگی و اجتماعی برنامه‌ها و اهداف خود را به پیش ببرند، که از آن جمله آموزش به زبان مادری (کُردی) در مدارس، دانشگاه‌ها، تاسیس مراکز علمی، فرهنگی، هنری، پژوهشی، ورزشی و صدها موسسه دیگر است که بطور مستقیم و غیرمستقیم در حوزه مسائل فرهنگی کُردی فعالیت دارند. همچنین سطح کیفیت دانشگاه‌ها با ارتباطات بین‌المللی و گسترده‌ای که ایجاد شده است در حال افزایش و رونق گرفتن است.

#### ۴-۲-۶. روابط خارجی

در حداثال سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ و تا به امروز هم تغییری ماهوی و هم گسترده در روابط خارجی کردها در عراق روی داده است. رسمی شدن حکومت نیمه‌خودمختار آنها به دولتی فدرالی در کنار دیگر تحولات و شرایط سیاسی، امنیتی، اقتصادی و ... باعث افزایش اهمیت روزافزون اقلیم کردستان عراق شده است، ظهور داعش و نقش کلیدی نیروهای زمینی کُرد در مبارزه با آن، بر این اهمیت افزود. به همین دلیل شاهد گشایش ۵۱ کنسولگری کشورهای مختلف در اقلیم کردستان عراق هستیم. اقلیم کردستان حتی دارای روابط بسیار بیشتری از ۵۱ کشور مذکور است. گشایش و فعالیت بزرگ‌ترین کنسولگری آمریکا در جهان در شهر اربیل پایتخت اقلیم کردستان و دیگر قدرت‌های بزرگ جهانی از اهمیت این موضوع حاکی است. سرمایه‌گذاری کشورهای مختلف و نیز تبدیل شدن به یک بازیگر مورد وثوق و دعوت قدرت‌های منطقه‌ای خبر از دوره‌ای طلایی در روابط خارجی اقلیم کردستان می‌دهد. البته بایست متذکر شد که شاخصه‌های مذکور بطور مطلق تحت کنترل و برنامه‌ریزی کُردها نیستند.

## ۵. نتیجه‌گیری

رویدادها، تحولات و روندهای بین‌المللی و منطقه‌ای که بر وضعیت‌گردها در عراق تاثیر مستقیم و غیرمستقیم داشته و باعث افزایش بازیگری آنها شده است، عملاً دستاوردها و پیامدهای مختلفی برای آنها داشته است که در ادامه خواهد آمد: تقویت موقعیت در عراق، تبدیل شدن به یک بازیگر رسمی و ضلع دوم قدرت (پس از شیعیان) در مثلث قدرت در عراق جدید، شناسایی به عنوان یک بازیگر موثر در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی و ... باعث شد تا کردها در عراق با محوریت مسعود بارزانی به سوی برگزاری فراندوم استقلال و جدایی از عراق گام برداند تا بکوشند که جایگاه دولت فدرال-محلی خود را با یک دولت ملی-مستقل تغییر و ارتقا دهند. در همین راستا مسعود بارزانی رهبر وقت اقلیم کردستان ضمن تاکید چندباره بر این موضوع که عمر توافق سایکس-پیکو پس از یکصدسال به سر آمده است مدیریت برگزاری فراندوم جدایی از عراق را در منطقه اقلیم کردستان و نیز مناطق مورد مناقشه اما تحت کنترل نیروهای پیشمرگ را در دست گرفت.

فراندوم استقلالی که در سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار شد را بایست مهم‌ترین رویدادی دانست که در عرصه بین‌المللی توجهات را به سمت کردها در خاورمیانه جلب کرد، هرچند این توجهات بیشتر در زمینه نهی و یا درخواست تعویق آن بود تا حمایت از برگزاری اش. همچنین این رویداد باعث شد تا همکاری‌های معمولاً با همکاری دو بازیگر منطقه‌ای که پیش‌تر در قبال مسائل کردها رایج بود به یک رشته همکاری گسترده‌تر منطقه‌ای تبدیل شود. مساله مهم دیگر اینکه، بیشترین جغرافیایی که تا این زمان تحت کنترل نیروهای گرد بود، فرصت شرکت در فراندوم استقلال را پیدا کرده بودند.

فراندوم استقلال اقلیم کردستان به رغم مخالفت دولت مرکزی، بازیگران اصلی منطقه‌ای، آمریکا و دیگر قدرت‌های موثر در روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار شد. این فراندوم علاوه بر مناطق تحت مدیریت حکومت اقلیم کردستان، در دیگر مناطقی که از سال ۲۰۱۴ تحت کنترل نیروهای پیشمرگ بود نیز برگزار گردید.

### آمار کلی و نتایج برگزاری فراندوم:

- ثبت‌نام‌کنندگان برای فراندوم: ۴,۵۸۱,۲۸۸ نفر - معادل ۷۲,۱۶٪ ساکنان این مناطق
  - مجموع آرا (شرکت‌کنندگان): ۳,۳۰۵,۹۲۵ رای
  - آرای صحیح: ۳,۰۸۵,۹۳۵ رای - معادل ۹۳,۳۵٪ کل آرا
  - آرای سفید و باطله: ۲۱۹,۹۹۰ رای - معادل ۶,۶۵٪ کل آرا
  - رای «نه» (مخالف) به فراندوم: ۲۲۴,۴۶۴ رای - معادل ۷,۲۷٪ کل آرا
  - رای «بله» (موافق) فراندوم: ۲,۸۶۱,۴۷۱ رای - معادل ۹۲,۷۳٪ کل آرا
- اما یکی دیگر از پیامدهای مهم افزایش بازیگری‌گردها و متعاقب آن تلاش برای استقلال از عراق تأثیرگذاری بر روی تحولات و مناسبات امنیتی منطقه بوده است که می‌تواند باعث نوعی تجدید نظر در خصوص زیرمجموعه‌های امنیتی منطقه خاورمیانه شود.
- همان‌طور که از مجموعه تأثیرات و پیامدهای ناشی از روندها و رویدادهای بین‌المللی و منطقه‌ای که در این مقاله بدان پرداخته شد، پیداست، مجموعه این تحولات باعث افزایش بازیگری‌گردها در عراق و گام برداشتن در مسیر ارتقای سطح دولت از «فدرال-محلی» به «مستقل-ملی» شد که اوج این مساله را در برگزاری فراندوم استقلال در سپتامبر ۲۰۱۷ می‌توان دید فراندومی که بدون همراهی و موافقت قدرت‌ها و بازیگران مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای روبرو شد و مخالفینی جدی را چه در صحنه سیاست داخلی عراق و چه منطقه‌ای در مقابل‌گردها قرار داد.

### ۷. قدردانی

نگارندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از کلیه اساتید و پژوهشگران و نیز مقامات دیپلماتیک ایرانی، عراقی (اعم از کرد و عرب) که در این پژوهش ما را یاری رساندند و نیز مسئولان و اعضای هیات داورى محترم فصلنامه ژئوپلیتیک که زمینه انتشار این مقاله را فراهم ساختند، کمال تشکر را داشته باشند.

## References

1. Barzani, M (2020). For History. Erbil, Roxana. **[In Kurdish]**
2. Barzegar, K (2007). The foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the new Iraq. Tehran: Expediency Assessment Council, Strategic Research Center. **[In Persian]**
3. Baylis, J; Smith, S (2005). The Globalization of World Politics An Introduction to International Relations. Oxford University Press. Vol 1.
4. Buzan, B; Waever, O; De Wilde, J (1997). Security: A New Framework for Analysis. Lynne Rienner Publishers Inc,
5. Buzan, B; Waever, O (2003). Regions and Powers: The Structure of International Security. Cambridge University Press.
6. Buzan, B (1983). People, States, and Fear the National Security Problem in International Relations. Wheatsheaf Books. the University of Michigan.
7. David, L.P (2018). The Great Betrayal How America Abandoned the Kurds and Lost the Middle East. Publisher: Bloomsbury USA.
8. Entessar, N (2009). Kurdish Politics in the Middle East Revised Edition. Lexington Books; Revised editioni
9. Eslami, M; Shams Abadi, A (2018). the Causes behind appointment of Kurdistan Regions Separation Referendum. Geopolitics Quarterly, 14(51), 63-94. **[In Persian]**
10. Gareth, R. V. S; Mohammed, Sh (2017). The Kurdish Question Revisited. Publisher: Oxford University Press.
11. Ghavam, A.A. S (1999). Principles of Foreign Policy & International Relations. Tehran, Samt. **[In Persian]**
12. Gholami, T; Karimi, T (2017). The U.S and Russia's Kurdish Policies: Iran's National Security and Interests. Geopolitics Quarterly, 13(46), 174-201. **[In Persian]**
13. Gordon, M.R (2019). Trump Calls for Defense, Use of Syrian Oil Fields. <https://www.wsj.com/articles/trump-calls-for-control-use-of-syrian-oil-fields-11571700927>.
14. Haghpanah, J (2008). Kurds & Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Abrar. **[In Persian]**
15. Haji Khedir, H (2020). Social Capital, Civic Engagement and Democratization in Kurdistan. Publisher: Springer.
16. Hardan, M (2021). Syrian government, Kurds discuss plans for oil trade. <https://www.al-monitor.com/originals/2021/08/syrian-government-kurds-discuss-plans-oil-trade>.
17. Heller, J (2017). Israel endorses independent Kurdish state. <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-kurds-israel/israel-endorses-independent-kurdish-state-idUSKCN1BO0QZ>.



18. Iraq refuses talks with Kurds about referendum results. (2017). <https://www.aljazeera.com/news/2017/9/26/iraq-refuses-talks-with-kurds-about-referendum-results>.
19. Kaplan, D.R (1987). Sons of Devils. In a turbulent region the stateless Kurds play the role of spoiler. <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/1987/11/sons-of-devils/306410/>.
20. Lake, D.A; Morgan, P.M (1997). Regional Orders: Building Security in new World. Pennsylvania State University Press.
21. Schirch, L (2021). Social Media Impacts on Conflict and Democracy, The Tectonic Shift. Taylor & Francis.
22. Lortz, M.G (2005). Willing to Face Death: A History of Kurdish, Military Forces — the Peshmerga — from, the Ottoman Empire to Present-Day Iraq. Florida State University Libraries.
23. Mazhar, K (1985). A few pages about Kurdish history. Baghdad, Al Adib. **[In Kurdish]**
24. Montgomery, H (2005). The Kurds of Syria. An existence denied, Berlin: Europaisches Zentrum fur Kurdische Studien.
25. O'Ballance, E (1996). The Kurdish Struggle, 1920-94. Palgrave Macmillan London. <https://doi.org/10.1057/9780230377424>.
26. Oil Companies Active In Iraqi Kurdistan. (2011). <https://www.chemanager-online.com/en/news/oil-companies-active-iraqi-kurdistan>
27. Pashang, A (2015). The Kurds in the midst of the Iran-Iraq War. Tehran. Marzo boum. **[In Persian]**
28. Roumina, E; TaherBidar, M (2018). The Impact of U.S Strategy on Iraqi Kurdistan from 1971 to 2014. Geopolitics Quarterly, 14(50), 1-20. **[In Persian]**
29. Szuba, J (2022). US extends military support for Iraq's Kurdistan Region. <https://www.al-monitor.com/originals/2022/09/us-extends-military-support-iraqs-kurdistan-region>
30. White, P.J (2000). Primitive Rebels Or Revolutionary Modernizers, The Kurdish Nationalist Movement in Turkey. Bloomsbury USA.

#### COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

